

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی
سال ششم، شماره دوم، شماره پیاپی (۲۰)، تابستان ۱۳۹۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹
صص: ۱-۱۶

بررسی رابطه میان محافظه‌کاری در حسابداری (غیرمشروط و مشروط) و ریسک ورشکستگی

علی ثقفی^{۱*}، مجید معتمدی فاضل^{**}
* استاد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی
Info@iranianaa.com
^{**} کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه علوم اقتصادی
Motamedi_acc@yahoo.com

چکیده

این پژوهش، به بررسی رابطه میان محافظه‌کاری در حسابداری و ریسک ورشکستگی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که با مطالعه دقیقی این رابطه با توجه به اجزای محافظه‌کاری (غیرمشروط و مشروط)، نقش و جایگاه محافظه‌کاری در حسابداری را تبیین می‌نماید. محافظه‌کاری در حسابداری، به معنای شناخت به موقع‌تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب مربوط به سود است. محافظه‌کاری مشروط، از محافظه‌کاری غیرمشروط که شامل ارزش دفتری خالص دارایی‌های کمتر از حد واقعی تعیین‌شده، و هزینه کردن بلادرنگ اغلب دارایی‌های نامشهود است، مجزاست. در این پژوهش، برای محاسبه ریسک ورشکستگی، از معیار کمبل (۲۰۰۸)، و برای در نظر گرفتن محافظه‌کاری، از دو معیار محافظه‌کاری غیرمشروط (UC_BM) و محافظه‌کاری مشروط (CC_CR) استفاده شده است. نمونه پژوهش، شامل ۸۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، و دوره پژوهش، طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، نشان داد که میان محافظه‌کاری غیرمشروط (UC_BM) و ریسک ورشکستگی، روابط همزمان و آتی معناداری وجود دارد، این در حالی است که در هیچ‌یک از حالات همزمان و آتی، رابطه معناداری میان محافظه‌کاری مشروط (CC_CR) و ریسک ورشکستگی وجود ندارد. **واژه‌های کلیدی:** محافظه‌کاری حسابداری، ریسک ورشکستگی، محافظه‌کاری غیرمشروط، محافظه‌کاری مشروط.

هیأت استانداردهای حسابداری مالی، در بیانیه مفهومی شماره ۲، محافظه‌کاری در حسابداری را به صورت یک واکنش محافظه‌کارانه به ابهام برای اطمینان از منظور نمودن ریسک‌ها و ابهامات موجود در شرکت به قدر کافی، تعریف کرده است [۳۰].

اگر چه محافظه‌کاری در حسابداری، سابقه بسیار طولانی دارد، لیکن پیش‌نویس چارچوب مفهومی مشترک برای گزارشگری مالی، ارائه شده در سال ۲۰۰۸ [۲۸]، بیان می‌کند که محافظه‌کاری ممکن است موجب ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی شود؛ به گونه‌ای که بینش‌های سرمایه‌گذار در خصوص جریان‌های نقدی آتی را دچار نقصان نماید. همچنین، طبق این چارچوب مفهومی پیشنهادی، احتیاط توصیف شده یا محافظه‌کاری، به عنوان یک مشخصه کیفی یا پاسخ منطقی به ابهام، با کیفیت بی‌طرفی، در تعارض است.

به دنبال این استدلال، هیأت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) و هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، محافظه‌کاری را در سال ۲۰۱۰ [۲۹]، از چارچوب مفهومی‌شان حذف نمودند.

حذف محافظه‌کاری از چارچوب مفهومی، در حالی صورت می‌پذیرد که همان‌گونه که کوتاری و همکاران (۲۰۱۰) [۳۲] بحث کرده‌اند، پیامدهای اقتصادی گسترده استانداردهای حسابداری، در مرتبه اول اهمیت قرار دارد، درحالی‌که نقش آن‌ها در ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام، در مرتبه دوم است.

مطالعات زیادی، بین محافظه‌کاری غیرمشروط و مشروط، تمایز قائل شده‌اند [۱۵]، [۱۷] و [۳۵].

محققان مشاهده کردند که گرایش رو به پایین در سود و خالص دارایی‌های توصیف‌کننده

محافظه‌کاری، می‌تواند از هر دو محافظه‌کاری غیرمشروط، از طریق اعمال رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه؛ یا محافظه‌کاری مشروط، از طریق شناخت زودتر اخبار بد در مقابل اخبار خوب، ناشی گردد. شواهد آن‌ها همچنین بیان می‌کند که محافظه‌کاری غیرمشروط و مشروط می‌توانند نقش‌های متفاوتی در قراردادهای، مقررات، وضع مالیات، ارزش‌گذاری و نیز در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ایفا کند (کیانگ، ۲۰۰۸) [۳۶]، و آن محافظه‌کاری غیرمشروط و مشروط، به‌طور منفی (مثبت) در کوتاه (بلند) مدت همبسته‌اند (بال و همکاران، ۲۰۰۹) [۱۵]. آن‌ها نشان دادند که حساب‌رسان و قانونگذاران، بیشتر بر روی محافظه‌کاری غیرمشروط متمرکز می‌شوند؛ و برخلاف آن‌ها، مدیران، با اعمال کنترل‌های بیشتر روی محافظه‌کاری مشروط، حداقل در کوتاه‌مدت، از محافظه‌کاری برای پیشرفت مقام و شغل خود استفاده می‌کنند (کیانگ، ۲۰۰۷) [۳۵].

با توسعه بازارهای مالی و متعاقب آن، حاکم‌شدن وضعیت رقابتی، بسیاری از شرکت‌ها، ورشکست و از گردونه رقابت خارج می‌شوند. این امر، موجبات نگرانی صاحبان سرمایه و سایر ذی‌نفعان را فراهم می‌آورد. بحران مالی و در نهایت ورشکستگی، می‌تواند زیان‌های هنگفتی را برای سهامداران، سرمایه‌گذاران بالقوه، اعتباردهندگان، مدیران، کارکنان، عرضه‌کنندگان مواد اولیه و مشتریان در پی داشته باشد.

یکی از عوامل اصلی بحران مالی و نهایتاً ورشکستگی شرکت‌ها، عدم وجود کنترل توسط مدعیان مختلف است. رقابت روزافزون بنگاه‌های اقتصادی، دستیابی به سود را سخت‌تر، و احتمال

اخبار خوب، به همان سرعت اخبار بد، افزایشی را در خالص دارایی‌ها نشان نمی‌دهند. محافظه‌کاری غیرمشروط، که به محافظه‌کاری مستقل از اخبار نیز نامیده می‌شود، شرکت‌هایی را در بر می‌گیرد که کاهش ارزش خالص دارایی‌هایی را که طی عمر مفیدشان از ارزش بازارشان پایین‌تر هستند، مورد شناسایی قرار می‌دهد [۲۲].

بازو (۱۹۹۷) [۱۹] بیان می‌کند که محافظه‌کاری مشروط، در یک سطح بالاتر بازبینی اخبار خوب نسبت به اخبار بد، در زمینه قراردادی و سایر موارد انگیزشی، برای اهداف شناخت و اندازه‌گیری در حسابداری سودمند است. هرچند واتس (۲۰۰۳) [۴۰]، که نسبت به بازو (۱۹۹۷) [۱۹]، تأکید کمتری در مورد اثبات‌پذیری اخبار وابسته در مقابل اخبار مستقل داشت، دریافت که محافظه‌کاری غیرمشروط نیز برای اهداف قراردادی، می‌تواند سودمند باشد.

بازو (۱۹۹۷) [۱۹]، وجود مفاهیم مختلف محافظه‌کاری مشروط را به‌طور تجربی، آزمون و شناسایی نمود که اولین و مهمترین آن‌ها، عدم تقارن زمانی بود. به‌منظور آزمون عدم تقارن زمانی، وی بازده‌های مثبت و منفی را به‌عنوان نماینده‌هایی برای اخبار خوب و بد استفاده، و یک رگرسیون معکوس از سودها بر بازده‌های جاری، به همراه متغیرهای مجازی تقاطعی و انحرافی برای بازده‌های منفی را برآورد نمود.

این رویکرد رگرسیون معکوس، در صورتی‌که بازده‌ها، معرف اخبار منابع غیر از سود باشد، و به‌طور کلی، این اخبار، در سودهای آن دوره منعکس شود، به‌خوبی عمل می‌کند.

پژوهش‌های مختلف انجام شده، دو مورد افزایش وجه نقد و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را از جمله

ورشکستگی را افزایش داده است. بدین ترتیب، تصمیم‌گیری‌های مالی، راهبردی‌تر شده است. یکی از راه‌های کمک به سرمایه‌گذاران، ارائه الگوهای پیش‌بینی درباره دورنمای شرکت است. در این میان، آزمون روابط محافظه‌کاری حسابداری و ریسک ورشکستگی، مستندات در خصوص یک منطق سنتی برای محافظه‌کاری فراهم می‌آورد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری، حداقل هزار سال قبل، در پاسخ به وجود تقاضاها برای فراهم‌کنندگان سرمایه به‌منظور آگاهی دادن در مورد تصمیمات وام‌دهی و نقدینگی و برای کاهش ریسک، به‌وجود آمده است (بازو، ۲۰۰۹) [۱۸]. این مقاله، ضمن تجزیه محافظه‌کاری به اجزای آن (مشروط و غیرمشروط)، به بررسی رابطه میان محافظه‌کاری در حسابداری و ریسک ورشکستگی می‌پردازد.

مبانی نظری

محافظه‌کاری در حسابداری به‌معنای شناخت به‌موقع‌تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب مربوط به سود است. محافظه‌کاری مشروط از محافظه‌کاری غیرمشروط که شامل ارزش دفتری خالص دارایی‌های کمتر از حد واقعی تعیین‌شده، و هزینه‌کردن بلادرنگ اغلب دارایی‌های نامشهود است، مجزاست. این امر، که محافظه‌کاری مشروط، یک نوع مجزا و مهم محافظه‌کاری، با الزامات قویتر یا حداقل متفاوت قراردادی، نسبت به محافظه‌کاری غیرمشروط است، هم اکنون، به‌طور گسترده‌ای، در میان محققان حسابداری وجود دارد [۲۲].

محافظه‌کاری مشروط، که به‌عنوان محافظه‌کاری وابسته به اخبار نیز نامیده می‌شود، شامل شرکت‌هایی است که به محض دریافت اخبار بد کافی، خالص دارایی‌ها را کاهش می‌دهند، لیکن به‌هنگام دریافت

پیشینه پژوهش

بیدل و همکاران (۲۰۱۱) [۲۲]، به بررسی رابطه میان محافظه‌کاری حسابداری و ریسک ورشکستگی پرداختند. آن‌ها، محافظه‌کاری حسابداری را به اجزای غیرمشروط و مشروط تفکیک نموده، اعتقاد داشتند که رابطه میان هر یک از این اجزا و ریسک ورشکستگی، می‌تواند با یکدیگر متفاوت باشد. نتایج پژوهش نشان داد که سازگار با نقش محافظه‌کاری در کاهش ریسک ورشکستگی، هر دو محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط، به‌طور منفی، به ریسک ورشکستگی وابسته هستند.

گاه و لی (۲۰۱۰) [۳۱]، رابطه بین کنترل‌های داخلی در یک شرکت و اعمال محافظه‌کاری مشروط را آزمون نمودند. آن‌ها، شرکت‌هایی که ضعف با اهمیت در کنترل‌های داخلی را تحت قانون ساریینز-آکسلی افساء نموده بودند، در نظر گرفته، و در نهایت، به وجود یک رابطه مثبت میان کیفیت کنترل داخلی و محافظه‌کاری پی بردند. همچنین، آن‌ها نشان دادند که شرکت‌های با ضعف‌های با اهمیت در کنترل‌های داخلی، نسبت به شرکت‌های بدون این ضعف‌ها، محافظه‌کاری پایین‌تری را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج دیگر پژوهش، شرکت‌هایی که ضعف‌های با اهمیت در کنترل‌های داخلی را افساء، و متعاقباً در جهت حذف این ضعف‌ها، حرکت کرده بودند، محافظه‌کاری بیشتری نسبت به شرکت‌هایی که بر ضعف‌های خود اصرار داشتند، نشان می‌دادند.

بایود (۲۰۰۷) [۲۰]، تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر هزینه بدهی را با تفکیک محافظه‌کاری به اجزای مشروط و غیرمشروط، مورد بررسی کرد. این مقاله، تحقیقات انجام‌شده در رابطه با نقش محافظه‌کاری در بدهی قراردادی ([۱۴] و [۴۲]) را با آزمون اثر

عوامل مؤثر محافظه‌کاری در کاهش ریسک ورشکستگی دانسته‌اند. ساختارهای مفهومی، مدل‌بندی تحلیلی و شواهد تجربی، بیان می‌کنند که محافظه‌کاری حسابداری، دسترسی به وجه نقد را به‌وسیله هر دو کاهش جریان‌های نقدی خروجی و افزایش جریان‌های نقدی ورودی افزایش می‌دهد.

واتس (۲۰۰۳) [۴۰] بحث می‌کند که محافظه‌کاری، با به تأخیر انداختن ثبت سود خالص و خالص دارایی‌ها، انجام مخارج نقدی به دلیل پاداش بر مبنای عملکرد، مالیات و سودهای تقسیمی را کاهش داده یا به تعویق می‌اندازد. بیدل (۱۹۸۰) [۲۱]، چن و ژو (۲۰۰۹) [۲۶] و کالن و همکاران (۲۰۱۰) [۲۳] نیز شواهد تجربی تأییدکننده‌ای را در خصوص نقش محافظه‌کاری در افزایش وجه نقد فراهم می‌کنند.

همچنین، تحقیقات گذشته نشان از آن دارند که محافظه‌کاری در حسابداری، یک نقش اطلاعاتی در کاهش عدم تقارن اطلاعات و افزایش درک اطلاعات را ایفا می‌کند؛ به‌ویژه همان‌طور که واتس (۲۰۰۳) [۴۰] و کیانگ (۲۰۰۸) [۳۶] مستند نموده‌اند، هر دو محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط، عدم تقارن اطلاعات در مورد ارزش خالص دارایی‌ها میان شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد.

در این پژوهش، وابستگی بین محافظه‌کاری حسابداری و ریسک ورشکستگی، به‌وسیله تحقیقات اخیر اشاره شده در نقش‌های افزایش وجه نقد و اطلاعاتی محافظه‌کاری، آزمون شده است. به عبارت دیگر، در این تحقیق، دو نقش افزایش وجه نقد و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی محافظه‌کاری، مبنای اصلی رابطه میان محافظه‌کاری و ریسک ورشکستگی است.

مین و لی (۲۰۰۵) [۳۳]، با استفاده از ماشین بردار پشتیبان، اقدام به طراحی مدلی برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها نمودند. پژوهش آن‌ها نشان داد که این مدل، نسبت به مدل‌های آماری سنتی، از عملکرد بهتری برخوردار است.

شین و همکاران (۲۰۰۵) [۳۷]، با استفاده از ماشین بردار پشتیبان، مدلی را برای پیش‌بینی ورشکستگی مطرح کردند. آن‌ها عملکرد مدلشان را با عملکرد شبکه‌های مصنوعی مقایسه نمودند. مطالعه آن‌ها نشان داد که ماشین بردار پشتیبان، هم از نظر تعمیم‌پذیری و هم از نظر دقت کلی مدل، عملکرد بهتری دارد.

والاس (۲۰۰۴) [۳۹]، به طراح مدلی برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها، با استفاده از روش شبکه‌های عصبی پرداخت. در مدل وی، از مقادیر نسبت‌های مالی کلیدی که در مطالعات ورشکستگی گذشته، به‌عنوان بهترین نسبت‌ها گزارش شده بودند، استفاده شد. والاس، نسبت‌های مالی به‌کار رفته در مدل خود را به‌ترتیب اهمیت نسبی، اولویت‌بندی نمود. نتایج پژوهش نشان داد که سه نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌ها، سرمایه در گردش به مجموع دارایی‌ها، و مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها، از بیشترین اهمیت در پیش‌بینی ورشکستگی برخوردارند.

فیلوسوفو و فیلوسوفو (۲۰۰۲) [۳۴]، در تحقیقی با عنوان کوششی در پیش‌بینی ترکیبی احتمال و فاصله زمانی رویداد ورشکستگی، مشکل پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها را با ارزیابی دوره زمانی که ورشکستگی اتفاق می‌افتد، بررسی کردند.

نتایج پژوهش نشان داد که چهار نسبت بهره به مجموع دارایی‌ها، بدهی‌های جاری به مجموع

تفاضلی محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر توان اعتباری شرکت‌ها توسعه داد. با توجه به تحقیقات بال و شیواکومار (۲۰۰۵) [۱۷] و بال و همکاران (۲۰۰۶) [۱۶]، محافظه‌کاری مشروط می‌تواند کارایی بدهی قراردادی را بهبود بخشد، در حالی که محافظه‌کاری غیرمشروط، در بدهی قراردادی، کاملاً بی‌طرف است. بنابراین، انتظار می‌رود که اعتباردهندگان، تنها به محافظه‌کاری مشروط و نه محافظه‌کاری غیرمشروط، توجه نمایند.

بر این اساس، در این پژوهش، اثر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر توان اعتباری شرکت، که یک معیار پیش‌بینی شده از هزینه بدهی است، آزمون شده است. سازگار با انتظارات، نتایج پژوهش نشان داد که توان اعتباری شرکت‌ها، در صنایع با محافظه‌کاری مشروط (غیرمشروط) بیشتر، به‌طور قابل توجهی، از مطلوبیت بیشتر (کمتر) برخوردار است، و لذا هزینه بدهی، نسبت به توان اعتباری شرکت‌ها در صنایع با محافظه‌کاری مشروط (غیرمشروط)، پایین‌تر (بالتر) است.

وو و همکاران (۲۰۰۷) [۴۱]، در پژوهش خود درباره پیش‌بینی ورشکستگی، مدل ماشین بردار تکیه‌گاه با استفاده از الگوریتم ژنتیک را تدوین نمودند که از دقت پیش‌بینی و قابلیت تعمیم‌دهی بیشتری نسبت به سایر روش‌ها، برخوردار بود.

کوچران و همکاران (۲۰۰۶) [۲۷]، با استفاده از شیوه کوکس - فی، به بررسی ورشکستگی در بین شرکت‌های اینترنتی پرداختند.

طبق نتایج حاصل از پژوهش، عوامل سود خالص به مجموع دارایی‌ها، جریان وجوه نقد به مجموع بدهی‌ها، و مجموع دارایی‌ها، سه عنصر کلیدی در پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها تلقی می‌شود.

که در دو معیار مبتنی بر ارقام تعهدی و مبتنی بر ارزش بازار، بین بدهی و محافظه‌کاری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این در حالی است که رابطه منفی و معنادار اندازه شرکت و محافظه‌کاری، تنها در معیار مبتنی بر ارزش بازار تأیید گردید. بنابراین، در کل، نمی‌توان استنباط کرد که بین اندازه شرکت و محافظه‌کاری، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) [۹]، به بررسی رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه‌کارانه پرداختند. در این پژوهش، سعی بر آن است که تأثیر حضور مالکان نهادی بر رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه تعیین شود. با توجه به مشابه نبودن سرمایه‌گذاران نهادی با یکدیگر، و احتمال تأثیر متفاوت آن‌ها بر رویه‌های حسابداری شرکت‌ها، این پژوهش، با طبقه‌بندی سرمایه‌گذاران نهادی به فعال و منفعل، ارتباط انواع مختلف مالکیت نهادی و محافظه‌کاری را نیز بررسی می‌کند. برای بررسی این ارتباطات، از دو مدل رگرسیونی (مدل بازو و مدل بال و شیواکومار) استفاده گردید. یافته‌های به‌دست‌آمده، از وجود رابطه مثبت بین مالکیت نهادی و محافظه‌کاری سود حکایت دارد. به عبارت دیگر، با افزایش سطح مالکیت نهادی، تمایل شرکت‌ها به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه نیز بیشتر می‌شود.

در نتیجه، می‌توان ادعا کرد این سهامداران، ناظران فعالی هستند که مدیران را به گزارش سود با کیفیت بالاتر (از طریق کاربرد رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تر) تشویق می‌کنند. همچنین، بعد از تفکیک مالکان نهادی به فعال و منفعل، رابطه مثبت و معناداری بین مالکیت نهادی منفعل و محافظه‌کاری سود نیز یافت شد.

دارایی‌ها، سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها، و سود انباشته به مجموع دارایی‌ها، بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی ورشکستگی دارند. همچنین، آن‌ها نشان دادند که در شرایط مساوی، این متغیرها، بسیار کارتر از قاعده Z اسکور آلتمن و قواعد محاسباتی آزمون شده هستند.

ثقفی و محمدی (۱۳۹۱) [۲]، جریان‌های نقدی آتی، ارقام تعهدی غیرعادی و ریسک ورشکستگی را بررسی نمودند. دوره بررسی آن‌ها، ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، و شرکت‌های مورد بررسی، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. شواهد حاصل از این بررسی نشان داد میان ارقام تعهدی غیرعادی و جریان نقد آتی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما این رابطه، با بالا رفتن ریسک ورشکستگی کاهش می‌یابد و معناداری خود را از دست می‌دهد.

پورحیدری و غفارلو (۱۳۹۰) [۱]، به بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصول و محافظه‌کاری مشروط حسابداری، در میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ پرداختند. آن‌ها برای سنجش محافظه‌کاری مشروط، از مدل بازو استفاده نمودند.

نتایج آزمون فرضیه کلی پژوهش نشان داد که بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه‌کاری مشروط در گزارشگری مالی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) [۱۲]، رابطه قراردادهای بدهی و اندازه شرکت با محافظه‌کاری را بررسی کردند. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری، از سه معیار مبتنی بر ارقام تعهدی، مبتنی بر ارزش بازار و رابطه بازدهی سهام و سود استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است

قدرتی و معنوی مقدم (۱۳۸۹) [۶]، به بررسی و مطالعه دقت مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی پرداختند. نتایج حاصل، نشان داد که الگوهای پیش‌بینی بحران مالی زمیسیکی، اسپرینگیت، سی‌ای اسکور، ژنتیک فرج‌زاده و ژنتیک مک‌کی، توانایی پیش‌بینی تداوم فعالیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را دارند.

قائمی و همکاران (۱۳۸۹) [۵]، به بررسی تأثیر حسابداری محافظه‌کارانه بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که پایداری سود در شرکت‌هایی که سود محافظه‌کارانه‌تری گزارش می‌کنند، کمتر است.

همچنین، نسبت قیمت به سود شرکت‌هایی که سود محافظه‌کارانه‌تری گزارش می‌کنند، نیز از میزان کمتری برخوردار است.

رهنمای رودپشتیو همکاران (۱۳۸۸) [۳]، کاربرد مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی آلتمن و فالمر را بررسی کردند. نتایج حاصل، حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین دو مدل، در پیش‌بینی ورشکستگی یک شرکت وجود دارد. همچنین، مدل آلتمن در پیش‌بینی ورشکستگی، محافظه‌کارانه‌تر از مدل فالمر است.

مهرانی و همکاران (۱۳۸۸) [۱۱]، به بررسی محافظه‌کاری در حسابداری و رابطه آن با ارقام تعهدی پرداختند. نتایج حاصل از بررسی ۱۰۶ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ حاکی از این بود که سود حسابداری، حدود ۳/۶۶ مرتبه نسبت به بازده منفی سهام، حساس‌تر از بازده مثبت سهام است؛ و حدود ۷۸ درصد از عدم تقارن زمانی در سود حسابداری، توسط ارقام تعهدی توضیح داده می‌شود.

کرمی و عمرانی (۱۳۸۹) [۸]، به بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت و محافظه‌کاری بر ارزش شرکت پرداختند.

نتایج حاصل از بررسی ۴۵۰ مشاهده شرکت - سال طی دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ نشان داد که سرمایه‌گذاران، اهمیت بیشتری به خالص دارایی‌های عملیاتی و سود عملیاتی شرکت‌های در مرحله رشد نسبت به شرکت‌های در مراحل بلوغ و افول می‌دهند. همچنین، نتایج نشان داد که در مراحل رشد و بلوغ، سرمایه‌گذاران، اهمیت بیشتری به خالص دارایی‌های عملیاتی و سود عملیاتی شرکت‌های محافظه‌کار، نسبت به شرکت‌هایی که از رویه‌های حسابداری متهورانه استفاده می‌کنند، می‌دهند.

نیکبخت و شریفی (۱۳۸۹) [۱۳]، به بررسی پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی پرداختند. شبکه عصبی به‌کار گرفته شده در این مقاله، از نوع پرسپترون چند لایه است که به روش الگوریتم پس انتشار خطا، آموزش دیده‌اند.

نمونه مورد نظر شامل دو گروه شرکت‌های ورشکسته و غیرورشکسته است؛ که گروه ورشکسته، بر مبنای ماده ۱۴۱ قانون تجارت طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵، و گروه غیرورشکسته نیز به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش، نشان داد که بین تحلیل تمایزی چندگانه و شبکه‌های عصبی، تفاوت معناداری وجود دارد.

سلیمانی (۱۳۸۹) [۴]، کارایی الگوهای پیش‌بینی بحران مالی در محیط اقتصادی ایران را بررسی کرد. نتایج نشان داد که الگوهای پیش‌بینی بحران مالی، توانایی پیش‌بینی تداوم فعالیت شرکت‌ها در یک و دو سال قبل از توقف فعالیت را دارا هستند.

محافظة کاری غیرمشروط و مشروط، و ریسک ورشکستگی پیش‌بینی می‌گردد:

H1a: محافظة کاری غیرمشروط، سازگار با دو نقش افزایش وجه نقد، و مشخصات اطلاعاتی‌اش، با ریسک ورشکستگی، به‌طور همزمان و منفی وابسته است.

H1b: محافظة کاری مشروط، سازگار با دو نقش افزایش وجه نقد، و مشخصات اطلاعاتی‌اش، با ریسک ورشکستگی، به‌طور همزمان و منفی وابسته است.

روابط همزمان بین محافظة کاری حسابداری و ریسک ورشکستگی (فرضیه‌های H1a و H1b)، شرایط پایداری را نشان می‌دهد که از وابستگی‌های علی میان دو متغیر به‌وجود آمده است؛ به‌ویژه این فرضیه‌ها، اثرهای محافظة کاری غیرمشروط و مشروط بر ریسک ورشکستگی آتی؛ و اثرهای ریسک ورشکستگی آتی بر محافظة کاری غیرمشروط و مشروط را، اگر موجود باشد، نشان می‌دهد. بر مبنای تحقیقات گذشته، این پژوهش پیش‌بینی می‌کند که محافظة کاری غیرمشروط و مشروط، به‌وسیله افزایش جریان‌های نقدی آتی و همچنین، تسهیل اجتناب از آمار ورشکستگی رسمی توسط شرکت‌هایی که وارد توقف مالی شده‌اند، ریسک ورشکستگی آتی را کاهش خواهد داد. این استدلال به این پیش‌بینی منجر شد که هر دوی محافظة کاری غیرمشروط و مشروط، دارای رابطه آتی و منفی با ریسک ورشکستگی هستند:

H2a: محافظة کاری غیرمشروط، سازگار با دو نقش افزایش وجه نقد، و مشخصات اطلاعاتی‌اش، با ریسک ورشکستگی، به‌طور آتی و منفی وابسته است.

کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) [۷]، به مطالعه و بررسی رابطه میان دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظة کارانه پرداختند. با بررسی ۵۸ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵، و با بهره‌گیری از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه، نتایج پژوهش دلالت بر وجود رابطه مستقیم و معناداری بین دوره تصدی حسابرس و محافظة کاری دارد.

علاوه بر این، با تفکیک نمونه به سه گروه بر اساس دوره تصدی، نتایج ابتدایی تأیید گردید؛ به‌گونه‌ای که با افزایش دوره تصدی، محافظة کاری نیز افزایش می‌یابد. در مجموع، یافته‌های پژوهش، مبین این نکته هستند که در دوره تصدی کوتاه، محافظة کاری کمتر است. بنابراین، ممکن است چرخش اجباری حسابرس، اثر معکوسی بر محافظة کاری سود داشته باشد.

مهرانی و همکاران (۱۳۸۴) [۱۰]، به بررسی کاربردی الگوهای پیش‌بینی ورشکستگی زیمنسکی و شراتا پرداختند. نتایج آزمون این فرضیه‌ها نشان داد که هر دو الگو، توانایی تقسیم شرکت‌ها به دو گروه ورشکسته و غیرورشکسته را دارند. نتایج دیگر پژوهش نشان داد که تأثیر متغیرهای مستقل الگوها در پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها، با یکدیگر متفاوت است.

فرضیه‌های پژوهش

بحث‌ها و شواهد بالا بیان می‌کند که افزایش وجه نقد و مشخصات اطلاعاتی هر دوی محافظة کاری مشروط و غیرمشروط، برای کاهش ریسک ورشکستگی - که اساساً یک وضعیت ناکافی بودن نقدینگی است - به‌کار می‌رود. بر مبنای این استدلال، در این پژوهش، یک رابطه همزمان منفی بین

سمت ورشکستگی پیش رود، برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.

Temp: این متغیر، با توجه به معادله برآوردی زیر، اندازه‌گیری می‌شود:

(۲)

$$Temp_t = -1.3 - 0.3NIMTAVG_t + 6.05TLMTA_t - 1.25 EXRETAVG_t + 0.4 RSIZE_t - 12.24 CASHHMTA_t + 0.79 MB_t - 1.8 PRICE_t$$

که در آن:

NIMTAVG_t: پیش‌بینی سودآوری بر مبنای ارزش بازار را نشان می‌دهد:

(۳)

$$NIMTAVG_t = \frac{1 - \varphi^3}{1 - \varphi^{12}} (NIMTA_{t-1, t-3} + \dots + \varphi^9 NIMTA_{t-10, t-12})$$

به طوری که:

$$NIMTA_t = \frac{\text{سود خالص}}{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام + مجموع بدهی‌ها}} \quad (۴)$$

TLMTA_t: نسبت اهرم بر مبنای ارزش بازار است و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$TLMTA_t = \frac{\text{مجموع بدهی‌ها}}{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام + مجموع بدهی‌ها}} \quad (۵)$$

EXRETAVG_t: شاخصی برای پیش‌بینی پذیری بازده مازاد طی ۱۲ ماه گذشته است:

$$EXRETAVG_t = \frac{1 - \varphi}{1 - \varphi^{12}} (EXRET_{t-1} + \dots + \varphi^{11} EXRET_{t-12}) \quad (۶)$$

به طوری که:

$$EXRET_{i,t} = \log(1 + R_{i,t}) - \log(1 + R_{s,t}) \quad (۷)$$

که $R_{i,t}$ ، بازده شرکت i در سال t ، و $R_{s,t}$ شاخص بازده نقدی و قیمت در سال t است.

RSIZE_t: به اندازه شرکت با توجه به ارزش بازار کل بازار سرمایه اشاره دارد:

$$RSIZE_t = \log\left(\frac{\text{سهام صاحبان حقوق بازار ارزش}}{\text{سرمایه بازار کل بازار ارزش مجموع}}\right) \quad (۸)$$

H2b: محافظه‌کاری مشروط، سازگار با دو نقش افزایش وجه نقد، و مشخصات اطلاعاتی‌اش، با ریسک ورشکستگی، به‌طور آتی و منفی وابسته است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ است. در انتخاب نمونه، برخی محدودیت‌ها، به شرح زیر، منظور شده است:

۱- با عنایت به ماهیت و طبقه‌بندی متفاوت اقلام صورت‌های مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نسبت به شرکت‌های تولیدی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک و مؤسسات تأمین مالی نباشند.

۲- به دلیل لزوم محاسبه متغیرهای پژوهش و انجام آزمون فرضیات در مورد هر شرکت، اطلاعات مورد نیاز در رابطه با شرکت‌ها، در دسترس باشد.

۳- به منظور همسانی تاریخی گزارشگری، حذف اثرهای فصلی و افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات، سال مالی شرکت، به پایان اسفند ختم شده و دوره مورد بررسی تغییر نکرده باشد.

۴- سهام شرکت‌ها، در طول هر یک از سال‌های دوره پژوهش، معامله شده باشد. در نهایت، به روش حذفی، تعداد ۸۴ شرکت، به‌عنوان نمونه آماری این پژوهش، انتخاب شدند.

ریسک ورشکستگی

در این پژوهش، ریسک ورشکستگی، با توجه به پژوهش کمبل و همکاران (۲۰۰۸) [۲۵]، محاسبه شده است. نحوه برآورد این متغیر، به شرح زیر است:

$$Fail_t = \exp(temp_t) / (1 + \exp(temp_t)) \quad (۱)$$

که در آن:

Fail_t: یک متغیر شاخص است که اگر شرکت به

با توسعه کالن و همکاران (۲۰۱۰) [۲۴] و یولتیناهو (۲۰۰۲) [۳۸]، می‌توان نوشت:

(۱۴)

$$roe_t = \beta_0 + \beta_1 r_{t-1} + \beta_2 roe_{t-1} + \beta_3 bm_{t-1} + \eta_t$$

در نهایت، هماهنگ با کالن و همکاران (۲۰۱۰) [۲۴]، نسبت محافظه‌کاری مشروط (CC_CR)، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$(۱۵) \text{ اگر } CC_CR_t = \eta_t / Ne_t Ne_t < 0$$

$$(۱۶) \text{ اگر } CC_CR_t = -\eta_t / Ne_t Ne_t > 0$$

الگوی آزمون فرضیه‌ها

با توجه به فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، در این بخش، ابتدا به بررسی رابطه میان این معیار ریسک ورشکستگی (Campbell) و دو معیار محافظه‌کاری غیر مشروط (UC_BM) و محافظه‌کاری مشروط (CC_CR)، به صورت همزمان پرداخته می‌شود. در یک مدل، Campbell متغیر وابسته و در مدل دیگر، به ترتیب CC_CR و UC_BM متغیر وابسته هستند.

(۱۷)

$$Campbell_t = \gamma_0 + \gamma_1 UC_{BM_t} + \gamma_2 CC_{CR_t} + \gamma_3 Leverage_t + \gamma_4 ROA_t + \gamma_5 Ln(MV)_t + \gamma_6 Rate_t + \gamma_7 Cash_t + \gamma_8 \Delta Cash_t + \varepsilon_t$$

(۱۸)

$$CON_t = \gamma_0 + \gamma_1 Campbell_t + \gamma_2 CC_CR_t + \gamma_3 Leverage_t + \gamma_4 ROA_t + \gamma_5 Ln(MV)_t + \varepsilon_t$$

که در آن داریم:

CON: در مدل (۱۸)، یک‌بار برابر با UC_BM و بار دیگر برابر با CC_CR است. به عبارت دیگر، مدل (۱۸)، مشتمل بر دو مدل است.

Campbell: معیار ریسک ورشکستگی

UC_BM: شاخصی برای محافظه‌کاری غیر مشروط

CASHHMTA: نسبت نقدینگی بر مبنای ارزش بازار است و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

(۹)

$$CASHHMTA_t = \frac{\text{وجه نقد} + \text{سرمایه گذاری کوتاه مدت}}{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام} + \text{مجموع بدهیها}}$$

MB_t: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن در پایان سال مالی است:

$$MB_t = \frac{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}}{\text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}} \quad (۱۰)$$

PRICE_t: قیمت سهام در پایان سال مالی است و به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$PRICE_t = \log(\text{pricepershare}) \quad (۱۱)$$

محافظه‌کاری حسابداری

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (UC_BM)

مطابق پژوهش ژانگ (۲۰۰۸) [۴۳]، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (UC_BM)، یک نماگر برای محافظه‌کاری غیر مشروط است، که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$UC_BM_t = \frac{\text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}}{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}} \quad (۱۲)$$

نسبت CC_CR

یولتیناهو (۲۰۰۲) [۳۸] بیان می‌کند که اخبار رسمی، شوک‌هایی برای بازگشت‌ها هستند که یک جزء اصلی آن، شوک‌های سودهای فعلی و آتی (اخبار سود) است.

(۱۳)

$$Ne_t = \Delta E_t \sum_{j=1}^{\infty} \rho^j (roe_{t+j} - i_{t+j}) = E_t \sum_{j=1}^{\infty} \rho^j (roe_{t+j} - i_{t+j}) - E_{t-1} \sum_{j=1}^{\infty} \rho^j (roe_{t+j} - i_{t+j})$$

مدل‌های فوق، به‌منظور آزمون روابط همزمان بین محافظه‌کاری حسابداری و ریسک ورشکستگی (فرضیه‌های $H1a$ و $H1b$) استفاده می‌شوند. سپس، به بررسی رابطه میان این متغیرها، با توجه به فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش، پرداخته می‌شود: (۱۹)

$$Campbell_t = \delta_0 + \delta_1 CON_{t-1} + \delta_3 Leverage_t + \delta_4 ROA_t + \delta_5 Ln(MV)_t + \delta_6 Rate_t + \delta_7 Cash_t + \delta_8 \Delta Cash_t + \varepsilon_t$$

CC_CR: شاخصی برای محافظه‌کاری مشروط
Leverage: نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها
ROA: نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها
LN(MV): لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در پایان سال
Rate: نرخ بهره بدون ریسک
Cash: نسبت وجه نقد به جمع دارایی‌ها
 $\Delta Cash$: نسبت تغییرات وجه نقد به جمع دارایی‌ها

یافته‌های تجربی پژوهش

نگاره ۱. نتایج آزمون فرضیات اول و دوم پژوهش - مدل ۱۷

متغیر وابسته: <i>Campbell</i>			
معنی‌داری	آماره t	ضریب	متغیر
۰/۰۰۲	۳/۱۴۲	۴۴/۵۷۸	Intercept
۰/۰۰۴	-۲/۹۱۱	-۵/۰۲۸	UC_BM
۰/۷۲۲	۰/۳۵۶	۰/۰۰۹	CC_CR
۰/۲۰۱	-۱/۲۸۰	-۴/۵۳۸	LEVERAGE
۰/۸۴۸	-۰/۱۹۲	-۱/۳۹۵	ROA
۰/۰۲۰	-۲/۳۴۲	-۳۰/۲۲۵	LN(MV)
۰/۲۹۱	-۱/۰۵۸	-۵۲/۷۱۴	Rate
۰/۵۰۰	-۰/۶۷۵	-۸/۶۱۰	CASH
۰/۵۲۳	-۶/۳۹	-۵/۵۰۸	$\Delta CASH$
۰/۰۱۴	ضریب تعیین تعدیل شده	۲/۰۱۴	آماره F
۲/۰۲۰	دوربین واتسون	۰/۰۴۳	معنی‌داری آماره F

رابطه منفی و معنادار با ریسک ورشکستگی است. این بدین معنی است که محافظه‌کاری غیرمشروط، سازگار با نقش‌های افزایش وجه نقد و اطلاعاتی آن، با ریسک ورشکستگی، به‌طور همزمان و منفی وابسته است؛ و بدین ترتیب، فرضیه $H1a$ تأیید می‌شود. این در حالی است که میان متغیر محافظه‌کاری مشروط (CC_CR) و ریسک ورشکستگی، رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه $H1b$ که وجود رابطه

در این بخش، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود. در ابتدا، نتایج به‌دست‌آمده از بررسی فرضیه‌های $H1a$ و $H1b$ که به پیش‌بینی روابط همزمان منفی بین محافظه‌کاری غیرمشروط و مشروط و ریسک ورشکستگی می‌پردازد، تجزیه و تحلیل می‌شود. همان‌طور که در نگاره (۱) مشاهده می‌گردد، ضریب متغیر UC_BM برابر با $-۵/۰۲۸$ و دارای

همزمان و منفی بین محافظه‌کاری مشروط و ریسک ورشکستگی را پیش‌بینی کرده بود، رد می‌شود. نگاره (۲)، نتایج حاصل از آزمون قبلی را با این فرض که متغیر UC_BM به‌عنوان متغیر وابسته باشد، نشان داده است. نتایج به‌دست آمده، شواهد تأییدکننده‌ای در خصوص رابطه منفی و معنی‌دار میان محافظه‌کاری غیرمشروط (UC_BM) و ریسک ورشکستگی، و در نتیجه، تأیید دوباره فرضیه $H1a$ را ارائه می‌دهد. نگاره (۳)، نتایج حاصل را، با این فرض که متغیر CC_CR به‌عنوان متغیر وابسته باشد، ترسیم نموده است. در اینجا نیز، همانند نتایج به‌دست‌آمده در قبل، عدم رابطه معنی‌دار میان محافظه‌کاری مشروط (CC_CR) و ریسک ورشکستگی و بنابراین، رد فرضیه $H1b$ به اثبات می‌رسد.

نگاره ۲. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش - مدل ۱۸

متغیر وابسته: UC_BM			
معنی‌داری	آماره t	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰	۸/۹۹۱	۲/۴۲۳	Intercept
۰/۰۱۱	-۲/۵۴۴	-۰/۰۰۲	Campbell
۰/۰۵۰	۱/۹۶۷	۰/۰۰۱	CC_CR
۰/۰۰۰	-۷/۸۴۲	-۰/۶۴۱	LEVERAGE
۰/۰۰۰	-۸/۵۶۷	-۱/۵۱۶	ROA
۰/۰۰۰	-۵/۲۱۳	-۱/۵۷۰	LN(MV)
۰/۲۸۸	ضریب تعیین تعدیل‌شده	۴۸/۱۸۳	آماره F
۱/۷۸۷	دوربین واتسون	۰/۰۰۰	معنی‌داری آماره F

نگاره ۳. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش - مدل ۱۸

متغیر وابسته: CC_CR			
معنی‌داری	آماره t	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰	۱۳/۶۳۸	۲۱۵/۳۳۲	Intercept
۰/۶۹۴	۰/۳۹۴	۰/۰۲۰	Campbell
۰/۰۳۴	۲/۱۱۹	۵/۴۸۰	UC_BM
۰/۰۰۰	۱۲/۵۰۷	۶۲/۱۲۷	LEVERAGE
۰/۰۰۰	۱۴/۷۶۹	۱۴۸/۵۴۶	ROA
۰/۰۰۰	-۱۸/۴۲۰	-۲۸۵/۲۶۴	LN(MV)
۰/۴۹۲	ضریب تعیین تعدیل‌شده	۱۱۳/۴۷۸	آماره F
۱/۷۱۰	دوربین واتسون	۰/۰۰۰	معنی‌داری آماره F

ورشکستگی می‌پردازد، پرداخته می‌شود. در نگاره (۴)، رابطه میان متغیر UC_BM و ریسک ورشکستگی، بررسی شده است. نتایج منعکس در نگاره (۴)، مؤید یک رابطه آتی و منفی میان محافظه‌کاری غیرمشروط (UC_BM) و

پس از بررسی رابطه میان محافظه‌کاری و ریسک ورشکستگی، به‌طور همزمان، در این قسمت، به ارائه نتایج حاصل از آزمون جداگانه فرضیه‌های $H2a$ و $H2b$ که به پیش‌بینی روابط آتی و منفی بین محافظه‌کاری غیرمشروط و مشروط و ریسک

ریسک ورشکستگی، است، که بدین ترتیب، فرضیه $H2a$ تأیید می‌شود. طبق این یافته‌ها، محافظه‌کاری غیرمشروط، با ریسک ورشکستگی، دارای روابط آتی و منفی است. نگاره (۵)، به ارائه نتایج حاصل از آزمون رابطه میان متغیر CC_CR و ریسک

ورشکستگی پرداخته است. نتایج، بیانگر عدم رابطه آتی و معنادار بین محافظه‌کاری مشروط (CC_CR) و ریسک ورشکستگی است، و بدین ترتیب، فرضیه $H2b$ رد می‌شود.

نگاره ۴. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش - مدل ۱۹

متغیر وابسته: *Campbell*

معنی داری	آماره t	ضریب	متغیر
۰/۰۰۲	۳/۱۰۷	۴۲/۸۳۶	<i>Intercept</i>
۰/۰۰۲	-۳/۱۴۸	-۶/۰۶۱	<i>UC_BM</i>
۰/۰۳۵	-۲/۱۱۵	-۷/۲۱۲	<i>LEVERAGE</i>
۰/۳۳۵	-۰/۹۶۴	-۶/۳۹۸	<i>ROA</i>
۰/۰۱۰	-۲/۵۷۴	-۲۷/۹۵۵	<i>LN(MV)</i>
۰/۴۲۹	-۰/۷۹۲	-۳۹/۹۸۱	<i>Rate</i>
۰/۴۷۹	-۰/۷۰۹	-۹/۳۰۶	<i>CASH</i>
۰/۵۳۸	-۰/۶۱۶	-۸/۲۱۶	Δ <i>CASH</i>
۰/۰۱۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۲/۳۳۷	آماره F
۲/۱۱۷	دوربین واتسون	۰/۰۲۳	معنی داری آماره F

نگاره ۵. نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش - مدل ۱۹

متغیر وابسته: *Campbell*

معنی داری	آماره t	ضریب	متغیر
۰/۰۷۹	۱/۷۵۸	۲۵/۴۸۱	<i>Intercept</i>
۰/۴۵۰	۰/۷۵۵	۰/۰۱۵	<i>CC_CR</i>
۰/۱۶۱	-۱/۴۰۵	-۴/۷۶۲	<i>LEVERAGE</i>
۰/۹۰۳	-۰/۱۲۲	-۰/۸۲۳	<i>ROA</i>
۰/۱۹۹	-۱/۲۸۶	-۱۵/۲۶۰	<i>LN(MV)</i>
۰/۵۲۵	-۰/۶۳۶	-۳۲/۷۴۲	<i>Rate</i>
۰/۵۲۶	-۰/۶۳۴	-۸/۵۹۵	<i>CASH</i>
۰/۶۲۶	-۰/۴۸۷	-۶/۸۲۸	Δ <i>CASH</i>
۰/۰۱۲	ضریب تعیین تعدیل شده	۱/۰۱۱	آماره F
۲/۱۳۷	دوربین واتسون	۰/۴۲۲	معنی داری آماره F

نتیجه‌گیری

رابطه با توجه به اجزای محافظه‌کاری (مشروط و غیرمشروط)، نقش و جایگاه محافظه‌کاری تبیین می‌گردد. پژوهش‌های زیادی، بین محافظه‌کاری غیرمشروط و مشروط، تمایز قائل شده‌اند (بال و

در این پژوهش، به بررسی رابطه میان محافظه‌کاری در حسابداری و ریسک ورشکستگی پرداخته می‌شود؛ به گونه‌ای که با مطالعه دقیق این

- شیواکومار، ۲۰۰۵ [۱۷]؛ کیانگ، ۲۰۰۷ [۳۵]؛ بال و همکاران، ۲۰۰۹ [۱۵].
- محافظة کاری مشروط، که به عنوان محافظه کاری وابسته به اخبار نیز نامیده می‌شود، شامل شرکت‌هایی است که به محض دریافت اخبار بد کافی، خالص دارایی‌ها را کاهش می‌دهند، لیکن به هنگام دریافت اخبار خوب، به همان سرعت اخبار بد، خالص دارایی‌ها را افزایش نمی‌دهند.
- محافظة کاری غیر مشروط، که به محافظه کاری مستقل از اخبار نیز نامیده می‌شود، شرکت‌هایی را در بر می‌گیرد که کاهش ارزش خالص دارایی‌هایی که طی عمر مفیدشان از ارزش بازارشان پایین‌تر هستند، شناسایی می‌کند.
- در این پژوهش، برای محاسبه ریسک ورشکستگی، از معیار کمبل (۲۰۰۸) [۲۵]، و برای در نظر گرفتن محافظه کاری، از دو معیار محافظه کاری غیر مشروط (UC_BM) و محافظه کاری مشروط (CC_CR) استفاده شده است.
- نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مطابق انتظار، محافظه کاری غیر مشروط (UC_BM)، سازگار با نقش‌های افزایش وجه نقد و اطلاعاتی آن، با ریسک ورشکستگی، به طور همزمان و منفی وابسته است. این در حالی است که بر خلاف فرض پژوهش، رابطه معناداری میان محافظه کاری مشروط (CC_CR) و ریسک ورشکستگی وجود ندارد.
- همچنین، همان‌گونه که انتظار می‌رفت، محافظه کاری غیر مشروط (UC_BM)، با ریسک ورشکستگی، دارای روابط آتی و منفی است؛ لیکن برخلاف انتظار، رابطه معناداری بین محافظه کاری مشروط (CC_CR) و ریسک ورشکستگی مشاهده نگردید.
- منابع
- ۱- پورحیدری، امید و عباس غفارلو. (۱۳۹۰). «بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصول و محافظه کاری مشروط حسابداری»، پژوهش‌های حسابداری مالی، ش ۲، دوره ۱۲، صص ۶۲-۴۱.
- ۲- ثقفی، علی و امیر محمدی. (۱۳۹۱). «جریان‌های نقدی آتی، ارقام تعهدی غیرعادی و ریسک ورشکستگی»، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۳، ش ۱۳، صص ۱۲-۱.
- ۳- رهنمای رودپشتی، فریدون، علی‌خانی، راضیه و مهدی مران‌جوری. (۱۳۸۸). «بررسی کاربرد مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی آلتمن و فالمر در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، ش ۵۵، صص ۴۳-۱۹.
- ۴- سلیمانی، غلامرضا. (۱۳۸۹). «ارزیابی کارایی الگوهای پیش‌بینی بحران مالی برای شرکت‌های ایرانی»، دانش حسابداری، دوره ۱، ش ۲، صص ۱۵۸-۱۳۹.
- ۵- قائمی، محمدحسین، ودیعی، محمدحسین و میثم حاجی‌پور. (۱۳۸۹). «تأثیر محافظه کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود (P/E)»، دانش حسابداری، دوره ۱، ش ۲، صص ۷۳-۵۵.
- ۶- قدرتی، حسن و امیرهادی معنوی‌مقدم. (۱۳۸۹). «بررسی دقت مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی (مدل‌های آلتمن، شیراتا، اهلسون، زمیسکی، اسپرینگیت، سی ای اسکور، فولمر، ژنتیک فرج‌زاده و ژنتیک مک کی) در بورس اوراق بهادار تهران»، تحقیقات حسابداری، دوره ۲، ش ۷، صص ۱۴۲-۱۲۸.

- ۷- کرمی، غلامرضا و آمنه بذرافشان. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه دوره تصدّی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، دوره ۲، ش ۷، صص ۵۵-۸۰.
- ۸- کرمی، غلامرضا و حامد عمرانی. (۱۳۸۹). «تأثیر چرخه عمر شرکت بر ارزش شرکت»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، ش ۵۹، صص ۶۹-۷۹.
- ۹- مهرانی، ساسان، مرادی، محمد و هدی اسکندر. (۱۳۸۹). «رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه‌کارانه»، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۱، ش ۳، صص ۴۷-۶۲.
- ۱۰- مهرانی، ساسان، مهرانی، کاوه، منصفی، یاشار و غلامرضا کرمی. (۱۳۸۴). «بررسی کاربردی الگوهای پیش‌بینی ورشکستگی زیمسکی و شیراتا در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۲، ش ۴۱، صص ۱۰۵-۱۳۱.
- ۱۱- مهرانی، کاوه، حلاج، محمد و عباس حسینی. (۱۳۸۸). «بررسی محافظه‌کاری در سود حسابداری و رابطه آن با اقلام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران»، تحقیقات حسابداری، دوره ۱، ش ۳، صص ۸۸-۱۰۷.
- ۱۲- مهرانی، کاوه، وافی ثانی، جلال و محمد حلاج. (۱۳۸۹). «رابطه قراردادهای بدهی و اندازه شرکت با محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، ش ۵۹، صص ۹۷-۱۱۲.
- ۱۳- نیکبخت، محمدرضا و مریم شریفی. (۱۳۸۹). «پیش‌بینی ورشکستگی مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی»، مدیریت صنعتی، دوره ۲، ش ۴، صص ۱۶۰-۱۸۰.
- 14- Ahmed, A. S., Billings, B. K., Morton, R. M., Harris, M. S. (2002). The Role of Accounting Conservatism in Mitigating Bondholder - Shareholder Conflicts over Dividend Policy and in Reducing Debt Costs. *The Accounting Review*, Vol 77, No 4, Pp 867-890.
- 15- Ball, R., Kothari, S. P., Nikolaev, V. (2009). Econometrics of the Basu Asymmetric Time liness Coefficient and the Accounting Conservatism. Working paper, *University of Chicago*.
- 16- Ball, R., Robin, A., Sadka, G. (2006). Is Accounting Conservatism Due to Debt or Share Markets? A Test of "Contracting" Versus "Value Relevance" Theories of Accounting. Working paper, *University of Chicago*.
- 17- Ball, R., Shivakumar, L. (2005). Earnings Quality in UK Private Firms: Comparative Loss Recognition Time liness. *Journal of Accounting and Economics*, Vol 39, Pp 83-125.
- 18- Basu, S. (2009). "Conservatism Research: Historical Development and Future Prospects". *Chinese Journal of Accounting Research*, Vol 2, Pp 1-20.
- 19- Basu, S. (1997). "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings". *Journal of Accounting and Economics*, Vol 24, Pp 3-37.
- 20- Bauwhede, H. V. (2007). "The Impact of Conservatism on the Cost of Debt: Conditional versus Unconditional Conservatism". Working paper, *Katholieke Universiteit Leuven*.
- 21- Biddle, G. C. (1980). "Accounting Methods and Management Decisions: The Case of Inventory Costing and Inventory Policy". *Journal of Accounting Research*, Vol 18, Pp 235-280.
- 22- Biddle, G. C., Ma, M. Z., Song, F. M. (2011). "Accounting Conservatism and

- with optimal choice of kernel function parameters". *Expert Systems with Applications*, Vol 28, Pp 603-614.
- 34- Philosophov, L., Philosophov V. (2002). "Corporate bankruptcy prognosis; An attempt at a combined prediction of the bankruptcy event and time interval of its occurrence". *International Review of Financial Analysis*, Vol 11, No 3, Pp 375-406.
- 35- Qiang, X. (2007). "The Effects of Contracting, Litigation, Regulation, and Tax Costs on Unconditional and Conditional Conservatism: Cross-Sectional Evidence at the Firm Level". *The Accounting Review*, Vol 82, Pp 759-796.
- 36- Qiang, X. (2008). "The Information Role of Unconditional and Conditional Conservatism". Working paper, *Xiamen University*.
- 37- Shin, S. K., Lee, S. T., Kim, J. H. (2005). "An application of support vector machines in bankruptcy prediction model". *Expert Systems with Applications*, Vol 28, Pp 127-135.
- 38- Vuolteenaho, T. (2002). "What Drives Firm-Level Stock Returns?". *Journal of Finance*, Vol 57, Pp 233-264.
- 39- Wallace, W. A. (2004). "Risk Assessment By Internal Auditors Using Past Research On Bankruptcy Applying Bankruptcy Models". Working paper, *University of Florida*.
- 40- Watts, R. (2003). "Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications". *Accounting Horizons*, Vol 17, Pp 207-221.
- 41- Wu, C. H., Tzeng, G. H., Yeong-Jia, G., Fang, W. C. (2007). "A Real-Valued Genetic Algorithm, To Optimize the Parameters of Support Vector Machine for Prediction Bankruptcy". *Journal of Expert Systems with Application*, Vol 32, Pp 397-408.
- 42- Zhang, J. (2005). "Efficiency Gains from Accounting Conservatism: Benefits to lenders and Borrowers". Working paper, *MIT*.
- 43- Zhang, J. (2008). "The Contracting Benefits of Accounting Conservatism to Lenders and Borrowers". *Journal of Accounting and Economics*, Vol 45, Pp 27-54.
- Bankruptcy Risk". Working paper, *The University of Hong Kong*.
- 23- Callen, J. L., Chen, F., Dou, Y., Xin, B. (2010b). "Information Asymmetry and the Debt Contracting Demand for Accounting Conservatism". Working paper, *University of Toronto*.
- 24- Callen, J. L., Segal, D., Hope, K. (2010a). "The Pricing of Conservative Accounting and the Measurement of Conservatism at the Firm-Year Level". *Review of Accounting Studies*, Vol 15, Pp 145-178.
- 25- Campbell, J., Hilscher, J., Szilagyi, J. (2008). "In Search of Distress Risk". *Journal of Finance*, Vol 53, Pp 2899-2939.
- 26- Chen, C., Zhu, S. (2009). "Does Conservative Accounting Matter for the Cash Dividend Policy?" Working paper, *Fudan University*.
- 27- Cochran, J., Darrat, A. F., Elkhail, K. (2006). "On Bankruptcy of Internet Companies: An Empirical Inquiry". *Journal of Business Research*, Vol 59, Pp 1193-1200.
- 28- Financial Accounting Standards Board. (2008). "Conceptual Framework for Financial Reporting: The Objective of Financial Reporting and Qualitative Characteristics and Constraints of Decision-Useful Financial Reporting Information". Exposure Draft. *Financial Accounting*, Vol 15, Pp 70-100.
- 29- Financial Accounting Standards Board. (2010). Statement of Financial Accounting Concepts. No 8. Conceptual Framework for Financial Reporting.
- 30- Financial Accounting Standards Board. (1980). Statement of Financial Accounting Concepts. No 2, Qualitative Characteristics of Accounting Information.
- 31- Goh, B. W., Li, D. (2010). "Internal Controls and Conditional Conservatism". Working paper, *Universities Singapore and Tsinghua*.
- 32- Kothari, S. P., Ramanna, K., Skinner, D. J. (2010). "Implications for GAAP from an Analysis of Positive Research in Accounting". *Journal of Accounting and Economics*, Vol 50, Pp 246-248.
- 33- Min, H. J., Lee C. Y. (2005). "Bankruptcy prediction using support vector machine

Investigate of the Relation between Accounting Conservatism (Unconditional and Conditional) and Bankruptcy Risk

***A. Saghafi**

Professor of Accounting- AllamehTabataba'i University of Tehran, Iran

M. Motamedi Fazel

M.A. Accounting- University of Economic Sciences of Tehran, Iran

Abstract

This paper Investigate the relation between accounting conservatism and bankruptcy risk, so that by scrutiny the relation with survey components of conservatism (unconditional and conditional), illuminate the role and position of conservatism in accounting. Conditional conservatism involves the more timely recognition of bad news than good news in earnings. Conditional conservatism is distinct from unconditional conservatism, which involves the predetermined understatement of the book value of net assets, as occurs with the immediate expensing of the costs of most intangibles. In this rummage, bankruptcy risk measure is calculated from Campbell (2008); and for estimating conservatism, are used two measures of unconditional conservatism (UC-BM) and conditional conservatism (CC-CR). The sample refers to 84 firms accepted in Tehran Stock Exchange along the period 2003-2009. Results of testing research hypotheses show that there are significant contemporaneous and subsequent relations between unconditional conservatism (UC-BM) and bankruptcy risk. On the other hand, no significant relation, neither contemporaneous nor subsequent, is found between conditional conservatism (CC-CR) and bankruptcy risk.

Keywords: Accounting conservatism; Bankruptcy risk; Unconditional conservatism; Conditional conservatism.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی